

برنامه کارگری

* برنامه کارگری *

* نویسنده و تدوین کننده: حجت برزگر

* انتشار علنی: روز جهانی کارگران، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۷۱ (اول ماه مه، ۱۹۹۲ میلادی)

* اصلاحات و تنظیم چاپ چهارم: ۱۳۸۳/۰۲/۰۲ (۲۱/۰۴/۲۰۰۴ میلادی)

* آدرس تماس با اتحادیه مارکسیستها از طریق پست الکترونیکی: nasim@tele2.se

صفحه

فهرست

۳	۱- سخن کوتاه
۳	۲- پیشگفتار چاپ دوم
۴	۳- پیشگفتار چاپ سوم
۵	۴- طرح برنامه
۱۳	۵- مطلبی از «مانیفست حزب کمونیست»
۱۸	۶- شکل فرضی نظام شورایی در کره زمین

سخن کوتاه

هر انسانی بعد از خواندن کامل و دقیق برنامه کارگری آگاهانه تصمیم خود را در پذیرفتن و یا نپذیرفتن آن خواهد گرفت.

هر انسانی که برنامه کارگری را پذیرفته و خواستار اجرای آن است، باید هر چه سریعتر سه بند زیرین را در حد توان خود به مورد اجرا بگذارد:

۱- تکثیر برنامه کارگری و سپس پخش آن در بین رفقای همکار، دوستان و انسانهای دیگر و ترجمه آن به هر زبانی که میتواند.

۲- شرط عملی شدن برنامه کارگری این است که در محل کار خود مجمع عمومی منظم را بوجود آورید، نمایندگان خود را انتخاب کنید، با کارگران نقاط دیگر رابطه برقرار نمائید، برنامه کارگری را تبلیغ و برای اجرای آن مبارزه کنید. انواع مبارزه کارگری در برنامه، بند نه (۹) نوشته شده است.

۳- و عضو تشکلی سیاسی (حزب، سازمان و...) شوید که یکی از خواستهای آن تشکل، الغاء کار مزدی باشد. به عبارت دیگر خواستار «از هرکس بر حسب توانایی اش، به هر کس بر حسب نیازش» باشد. و بطور مشخص در متشکل کردن مبارزه طبقاتی کارگران در سراسر کره زمین بر علیه نظام سرمایه داری دخیل باشد.

۱۳۷۱/۰۲/۱۱

پیشگفتار چاپ دوم

متن فارسی چاپ اول برنامه کارگری در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۷۱ (اول ماه مه ۱۹۹۲ میلادی) منتشر شد.

ضرورت چاپ مجدد آن از اینجا ناشی میشود که در این مدت، در قسمتهایی از برنامه اصلاحات و تغییراتی صورت گرفته است.

اعم اصلاحات و تغییرات به قرار زیر است:

۱- پاراگراف ۱۴ (۱۲ چاپ چهارم) تغییر یافت.

۲- در پاراگرافهای ۹، ۲۹ و ۴۶ تغییرات عمده ای صورت گرفت و از سرتیتر «شکل فرضی حکومت کارگری در کره زمین» تا آخر برنامه نیز تغییرات عمده ای (از بند ۱:۱ تا بند ۱:۳ اضافه شده است) یافت.

۳- در پاراگرافهای ۵، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۵، ۲۲، ۳۲، ۳۵، ۴۰، ۴۱ و ۴۸ اصلاحات جزئی صورت گرفته است.

حجت برزگر

۱۹۹۸/۰۸/۲۲

پیشگفتار چاپ سوم

در چاپ دوم برنامه کارگری نیز اصلاحاتی صورت گرفته است که به شرح زیر میباشد:

۱- از پیشگفتار چاپ دوم نکاتی حذف شد. زیرا آن نکات به برنامه کارگری مربوط نمیشدند.

۲- در پاراگراف سوم صفحه اول برنامه، عبارت «از هرکس بر حسب توانایی اش، به هر کس بر حسب نیازش» اضافه گردید.

۳- پاراگرافهای ۱۲ و ۱۳ چاپ دوم برنامه حذف و در یک پاراگراف، پاراگراف شماره ۱۱ فرموله شد.

۴- در پاراگرافهای ۱۰، ۱۲، ۲۸، ۳۰ و ۳۳ تغییرات سنی صورت گرفت.

۵- در آخر برنامه به جای سرتیتر «شکل فرضی حکومت کارگری در کره زمین» آمده است «شکل

فرضی نظام شورایی در کره زمین»، زیرا یک نوع نظم اداری جامعه مد نظر بود نه دولت.

۶- در بعضی دیگر از پاراگرافها نیز کلمات «موجود در» اضافه شده است.

نکته آخر اینکه هر تشکل سیاسی ای که مدعی است که برای اهداف سوسیالیستی و کمونیستی مبارزه میکند، اما «برابری» (اقتصادی) یا «مساوات طلبی»، «عدالت» و یا «عدالت اجتماعی» (ایده آلیسم) را تبلیغ میکند، هیچ ربطی به مارکسیسم ندارد. به عبارت دیگر ربطی به سوسیالیسم و کمونیسم علمی ندارد، بلکه متعلق به انواع دیگر گرایشات سوسیالیستی و کمونیستی است. (رجوع شود به مانیفست حزب کمونیست، کارل مارکس و فریدریش انگلس، بخش سوم: «ادبیات سوسیالیستی و کمونیستی»).

حجت برزگر

۲۰۰۰/۰۳/۰۳

طرح برنامه

«تاریخ کلیه جامعه هائی که تاکنون وجود داشته تاریخ مبارزه طبقاتی است».

(از: «مانیفست حزب کمونیست» ۱۸۴۷، کارل مارکس و فریدریش انگلس)

هر آنچه که در جامعه وجود دارد (تولید شده) با نیروی کار کارگران ساخته شده است، منتها همه این دستاوردها در سراسر کره زمین در چنگ سرمایه داران و دولت‌هایشان برای استثمار کارگران قرار دارد.

در انتهای قرن بیستم با این همه دستاوردهای پیشرفته علمی، به جای کم کردن ساعت کار و بطور کلی بهتر زیستن انسانها، برعکس حمله وسیع تری به اکثریت انسانها یعنی طبقه کارگر آغاز گشت.

در بخشی از کره زمین که «بلوک شرق» نامگذاری شده بود، بنام «دمکراسی» دور جدید حمله سیاسی، اقتصادی و فرهنگی علیه طبقه کارگر به مورد اجرا گذاشته شد. از جمله کاهش وسیع دستمزد و یا بالا بردن قیمت وسائل مورد نیاز انسانها و ممنوع کردن فعالیت هر گونه تشکل

کارگری و احزابی که نام «کمونیست» بر خود دارند.

در بخش دیگر کره زمین «بلوک غرب»، احزاب بورژوازی و دولتهای سرمایه داری که مدعی حاکمیت «دمکراسی» در این کشورها هستند نیز بیش از گذشته حمله وسیع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی علیه طبقه کارگر سازمان داده میشود و در نهایت بخش موسوم به «جهان سوم» هر حرکت اعتراضی طبقه کارگر پاسخی جز گلوله دریافت نمیکند.

این سیاست نظام سرمایه داری (استثمار و سرکوب طبقه کارگر) در سراسر کره زمین است. ولی نابودی نظام سرمایه داری با این همه حمله وسیع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی علیه طبقه کارگر اجتناب ناپذیر است، زیرا طبقه کارگر حتی لحظه ای هم دست از مبارزه خود تا نابودی نظام سرمایه داری بر نخواهد داشت.

اما، کارگران و زحمتکشان بایستی برای نابودی نظام سرمایه داری، خود را در تشکل مستقل حرفه ایی و سیاسی خود با برنامه (اهداف) سوسیالیستی و کمونیستی سازمان داده و مبارزه نمایند.

با شکست سیاسی و اقتصادی سرمایه داری دولتی (یعنی از نظر سیاسی - حقوقی، استبدادی) در بلوک شرق، چین و آلبانی که ریاکارانه سالها نظام کمونیستی معرفی گشتند، احزاب و سازمانهایی که تحت عنوان کمونیست، سرمایه داری دولتی را نظام سوسیالیستی و کمونیستی معرفی میکردند نیز در یک کلام محو خواهند گشت.

وظیفه کمونیستها (حزب کمونیست) در همه جا افشای تضاد منافع طبقه کارگر و سرمایه داران، سازماندهی مبارزه طبقاتی پرولتاریا برای سرنگون ساختن سیادت بورژوازی و تصرف قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر برای برقراری نظام سوسیالیستی و کمونیستی است، چرا که نظام سوسیالیستی و کمونیستی نه تنها طبقه کارگر بلکه تمام بشریت را از تمام مشقات و محرومیتهای مادی و معنوی، موقعیت ناامن و نابسامان انسانها، فقر و فلاکت، قحطی، بیکاری، بی خانمانی، جنگ، رقابت، هرج و مرج در تولید، دروغ پردازی، تبعیضات اجتماعی، تن فروشی (فحشا)، بی حقوقی اجتماعی، تبعیض «نژادی»، «ستم «ملی»، ستمکشی زن، جهل و خرافات، اعتیاد و کلیه مصائب گریبانگیر انسانها در سراسر جهان که مسبب اصلی آن نظام سرمایه داری است رها خواهد ساخت.

از این رو برنامه حاضر تدوین و اعلام میگردد.

۱- حاکمیت کارگران مبتنی بر دموکراسی شورایی.

۲- برچیده شدن ارتش و سایر نیروهای مسلح حرفه ای، سازمانهای جاسوسی و اطلاعاتی مخفی و آموزش افراد برای انجام دادن کارهای مفید در جامعه و نابود کردن کل سلاح هایی که برای ویران کردن و کشتن انسانها ساخته شده است.

۳- حاکمیت کارگران، اعمال حاکمیت توسط شوراهای کارگران که هم بمشابه قانونگذار و هم بمشابه مجری قانون عمل خواهند کرد. تشکیل کنگره سراسری شوراهای نمایندگان کارگران بعنوان عالیترین ارگان حکومتی - اداری.

۴- برچیدن هر گونه قوانین، مؤسسات، تجهیزات، تسهیلات و غیره که برای حفظ نظام سرمایه داری است.

۵- حق رأی همگانی، برابر، مستقیم و مخفی برای تمام افراد، از شانزده سالگی، اعم از زن و مرد و نیز حق دارند خود را برای انتخاب شدن در هر نهاد و ارگان نمایندگی (محلّی و سراسری) کاندید نمایند.

۶- تشکیل دادگاههای حل اختلاف با هیات منصفه ای از نمایندگان منتخب کارگران برای حکمیت در موارد اختلاف بین انسانها در جامعه، قابل عزل بودن آنان هر گاه اکثریت کارگران منطقه مربوطه اراده کنند و علنی بودن کلیه محاکمات.

۷- ممنوعیت مجازات اعدام، حبس ابد و آزار و شکنجه انسانها به هر دلیلی.

۸- تلاش برای رفع ازدیاد جمعیت.

۹- آزادی بی قید و شرط سیاسی، آزادی بیان، مطبوعات، اجتماعات، انتخابات، تحصن، تظاهرات، اعتصاب، تحزب و تشکیل هر گونه تشکل صنفی، سیاسی و اجتماعی. آزادی کامل و بی قید و شرط انتقاد و نقد، آزادی انتقاد به کلیه جوانب سیاسی، فرهنگی،

اخلاقی و ایدئولوژیکی جامعه.

ممنوعیت هر نوع تبلیغ نفرت انگیز علیه انسان به بهانه های اعتقاد داشتن به «خدا» و مذهب و یا عدم اعتقاد به «خدا» و مذهب، «ملیت»، قومیت، «نژاد»، رنگ پوست، سیاست، جنسیت و غیره.

ممنوعیت احزاب و گروههای سیاسی که برتری «ملی»، «قومی»، «نژادی»، مذهبی و جنسی گروهی از مردم بر دیگران را تبلیغ مینمایند و یا اینکه جزو اصول رسماً اعلام شده آنها باشند.

۱۰- جدایی کامل مذهب از دولت، ممنوعیت امتیازات بر حسب مذهب و مقام مذهبی به افراد و یا اعتقاد و عدم اعتقاد آنان به «خدا» و مذهب.

ممنوعیت هرگونه مواد درسی و رسم و آئین مذهبی در مدارس و مؤسسات آموزشی جامعه. ممنوعیت جلب افراد زیر هجده سال به فرقه های مذهبی و مراسم و اماکن مذهبی. هیچیک از مذاهب بعنوان مذهب رسمی جامعه شناخته نمیشود.

اعتقاد و یا عدم اعتقاد به «خدا» و مذهب امر خصوصی افراد تلقی میشود و کلیه افراد در اختیار کردن هر گونه مذهب و یا نداشتن هیچگونه مذهب آزادند و هیچ نوع کمکهای مالی و غیر مالی به فعالیتهای و مؤسسات مذهبی به عهده جامعه نمیباشد.

۱۱- تساوی حقوقی انسانها در تمامی شئون زندگی صرفنظر از «ملیت» (تابعیت)، اعتقاد و یا عدم اعتقاد به «خدا»، مذهب، رنگ پوست، جنسیت و مرام و عقیده سیاسی.

۱۲- ممنوعیت تجاوز جنسی و ممنوعیت برقرار کردن رابطه جنسی بزرگسالان (بالای پانزده سال) با خرد سالان (زیر پانزده سال).

حق هر فرد، از پانزده سالگی، در برقرار کردن رابطه آزاد جنسی به میل و انتخاب خود. برقراری رابطه جنسی امر خصوصی افراد است و هیچکس حق کنکاش و دخالت در آن را ندارد. وسائل جلوگیری از حاملگی و بیماری های مقاربتی باید به سهولت در دسترس همه افراد، از پانزده سالگی قرار گیرد.

سن قانونی که انسان از تکفل و سرپرستی خارج می شود، هجده سال است و حق هر فرد بالاتر از هجده سال در انتخاب هر نوع شکل زندگی به میل و اراده خود. هیچکس را نباید بر خلاف میل او وادار به نوع زندگی خاصی نمود.

برابری حقوق زن و مرد در امر جدایی و تکفل فرزندان.

۱۳- ثبت نمودن زندگی اشتراکی و جدایی (در صورت تمایل طرفین)، متولد شدگان و مردگان در دفاتر دولتی.

۱۴- آزادی انتخاب شغل، عوض نمودن شغل و محل سکونت. آزادی سفر و اقامت در تمام نقاط جامعه برای کلیه انسانها، مصونیت هر انسان و محل سکونت او و ممنوعیت دخالت در زندگی خصوصی انسانها.

۱۵- صادر کردن کارت شناسایی به زبان رسمی «کشور» و بین لمللی (انگلیسی) برای تمام فراد جامعه و صادر نمودن گذرنامه برای کلیه افراد کشور تا زمانی که مرز وجود دارد.

۱۶- اجتماعی کردن کشاورزی، دامپروری و غیره و مکانیزه کردن آنها تحت راهنمایی متخصصین با استفاده از بهترین روشهای تکنولوژی.

۱۷- کنترل کلیه اراضی، صنایع، جنگلها، آبها، معادن و غیره توسط شوراهای کارگران و تمرکز کلیه تولیدات در دست شوراهای کارگران جهت توزیع در سطح جامعه.

۱۸- برچیده شدن پول و جایگزینی آن با کارت ماهانه که توسط نمایندگان منطقه ای (کشوری) شوراهای کارگران صادر میگردد. این کارت بیانگر این است که هر انسان قادر به کار در جامعه، مشغول انجام دادن کار مفید میباشد و حق برخورداری از تمامی امکانات موجود در جامعه را دارد.

همه انسانهایی که به هر دلیلی توانایی کارکردن را از دست داده اند و یا میدهند، باید این کارت برای آنها صادر گردد و حق برخورداری از تمامی امکانات موجود در جامعه را دارند.

۱۹- تا زمانی که در دیگر کشورها رابطه کار مزدی حکمفرماست، میتوان از پول به عنوان ابزاری صرفاً برای ورود و خروج انسانها از کشور (توریست) و واردات و صادرات استفاده کرد.

۲۰- تقلیل کار هفتگی به حداکثر بیست و هشت (۲۸) ساعت و مقرر شدن سه (۳) روز تعطیلی در هفته، حداقل سی (۳۰) روز مرخصی سالیانه علاوه بر «تعطیلات رسمی»، مانند روز جهانی کارگر، هشت مارس و فرا رسیدن سال جدید (در جامعه سوسیالیستی و کمونیستی، چنانچه «تعطیلات رسمی» وجود داشته باشد) با برخورداری از تمامی امکانات موجود در جامعه. انتخاب روزهای تعطیل هفتگی و مرخصی سالیانه به عهده فرد کارگر است و باید هر فرد، برنامه کاری خود را حداقل به مدت یک ماه مشخص نماید. (در مواقع اضطراری، حداکثر کار کردن در شبانه روز هشت ساعت).

۲۱- تعیین مدت کار هفتگی و استراحت در فواصل کار روزانه بر حسب پیشرفت تکنولوژی، بیکاری، سختی کار، مخاطرات، وضعیت بهداشت و دیگر شرایط فیزیکی کار با تصویب نمایندگان منتخب کارگران منطقه مربوطه.

۲۲- احتساب زمان صرف غذا، استحمام بعد از کار، استراحت در فواصل کار، شرکت در کلاسهای آموزشی، زمان صرف شده برای ایاب و ذهاب، زمان تشکیل مجمع عمومی جزء ساعت کار محسوب میشوند.

۲۳- ممنوعیت شب کاری از نه شب تا هشت صبح در تمام رشته ها به استثناء رشته هایی که بدلائل فنی و یا رفاه اجتماعی شب کاری در آنها اجتناب ناپذیر است. کار شبانه از نه شب تا هشت صبح و تعطیلات رسمی، هر ساعت دو برابر کار روز عادی محسوب میشود.

۲۴- تنظیم و اعمال مقررات داخلی (کارگاهها) واحدهای تولیدی و اقتصادی با تصویب و نظارت نمایندگان منتخب کارگران منطقه مربوطه.

۲۵- برسمیت شناخته شدن غیبتهای موجه، دوران بیماری و نقاهت و زمان اعتصاب و هر گونه توقف تولید بدلائل مختلف.

۲۶- تضمین امکانات رفاهی، ایمنی و بهداشت محیط کار و تقلیل مخاطرات محیط کار به حداقل ممکن و نظارت و معاینه پزشکی منظم در برابر مخاطرات و بیماریهای ناشی از نوع کار.

۲۷- بدلیل قاعدگی زنان، مقرر شدن حداقل دو روز مرخصی ماهانه اضافی برای زنان، ممنوعیت سپردن کار سنگین به زنان باردار، حداقل شانزده هفته مرخصی دوران بارداری و زایمان. حداقل یک سال مرخصی والدین برای نگهداری نوزاد با برخورداری از تمامی امکانات موجود در جامعه.

۲۸- ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان و نوجوانان زیر هجده سال.

۲۹- حداکثر سن بازنشستگی پنجاه و پنج (۵۵) سال و انسانها آزادند که در دوران بازنشستگی به کار مورد علاقه خود ادامه دهند.

۳۰- تأمین معیشت زندگی کودکان و نوجوانان زیر هجده سال، معلولین، سالمندان، بازنشستگان و افرادی که به هر دلیلی توانایی کار کردن را از دست داده اند به عهده جامعه میباشد.

۳۱- برخوردار شدن همه انسانها در دوران بیکاری از تمامی امکانات موجود در جامعه.

۳۲- برخوردار شدن همه انسانها از تمامی امکانات موجود در جامعه در مقابل صدمات و خساراتی که در دوران حیاتشان رخ میدهد.

۳۳- قرار گرفتن همه کودکان و نوجوانان زیر هجده سال که فاقد سرپرستی از طریق پدر و مادر میباشند، تحت تکفل جامعه و نیز مراقبت و نگهداری از معلولین، سالمندان و کفن و دفن با بکارگیری پیشرفته ترین امکان موجود در جامعه، به عهده جامعه است.

۳۴- اجباری بودن کار کردن حداکثر به مدت دو (۲) سال برای هر شهروند قادر به کار بالاتر از هجده سال در رشته هایی از کار مفید در جامعه که دارای متقاضی نمیباشد. کار کردن در اینگونه از رشته ها جزء خدمت به جامعه محسوب میشود.

۳۵- اخراج کارگران در همه موارد به عهده مجمع عمومی کارگران منطقه مربوطه است و پذیرش

کارگر جدید به عهده نمایندگان منتخب کارگران منطقه مربوطه است.

۳۶- مجمع عمومی منظم کارگران حداقل یک بار در ماه.

۳۷- ایجاد نمودن دفاتر کاریابی در تمام نقاط جامعه.

۳۸- تأسیس مسکن مناسب از نظر بهداشت، فضا (اتاق نشیمن، اتاق خواب، هال، آشپزخانه، دستشویی و توالت، دوش و وان حمام) و خدمات شهری از جمله: برق، تلفن، یخچال، ماشین لباسشویی، ماشین ظرفشویی، اجاق آشپزی، بخاری (شوفاژ)، کولر (خنک کننده)، آب لوله کشی گرم و سرد، کامپیوتر، تلویزیون و ویدئو، استریو، جارو برقی، اتو برقی، مبل، قفسه کتاب، میز و صندلی آشپزخانه، وسائل آشپزی و غیره برای کلیه افراد جامعه، تحت راهنمایی متخصصین با استفاده از بهترین روشهای تکنولوژی.

۳۹- تأسیس امکانات رفاهی و فرهنگی تحت راهنمایی متخصصین با استفاده از بهترین روشهای تکنولوژی در محیط کار و محلات مسکونی از قبیل: سالن استراحت، سالن غذا خوری عمومی (رستوران)، استخر و سونا، حمام، دستشویی و توالت، زمین و سالن ورزش، مهدکودک، درمانگاه، کتابخانه، مدارس (دبیرستان، هنرستان، دانشکده، دانشگاه)، سالن موسیقی و رقص و غیره.

۴۰- صدور اسناد و مدارک تحصیلی و گواهینامه های فنی و غیره.

۴۱- ایجاد وسائل ایاب و ذهاب عمومی و حمل و نقل مناسب تحت راهنمایی متخصصین و با استفاده از بهترین روشهای تکنولوژی.

۴۲- بهداشت و درمان مناسب برای کلیه انسانها و معاینه پزشکی اجباری سالانه و منظم.

۴۳- پذیرش زبانی به عنوان زبان بین المللی (انگلیسی) و نهایتاً یکی شدن زبان انسانها در سراسر کره زمین.

۴۴_ آموزش (تحصیل) برای کلیه افراد به زبان رسمی کشور و زبان بین المللی (انگلیسی) در کلیه سطوح با برخورداری از تمامی امکانات موجود در جامعه و اجباری بودن آموزش تا سن شانزده سال. ایجاد امکانات و تسهیلات لازم برای فراگیری زبانهای دیگر. آموزش جنسی نیز باید جزو دروس دبیرستانها باشد.

۴۵_ ایجاد تسهیلات فرهنگی و رفاهی در تمام مناطق جامعه اعم از شهری و روستایی از قبیل: برق، تلفن، لوله کشی آب آشامیدنی، مسکن مناسب، راه، مدارس، درمانگاه، ورزشگاه، سالن اجتماعات، مهدکودک، سالن غذا خوری عمومی (رستوران)، رختشویخانه عمومی، استخر، توالیت، پارک، محل تفریح، سالن موسیقی و رقص و غیره تحت راهنمایی متخصصین با استفاده از بهترین روشهای تکنولوژی.

۴۶_ تشکیل هیأت‌های بازرسی کارگری به انتخاب کارگران، این هیأتها از چگونگی نکات فوق در کلیه واحدهای تولیدی و بطور کلی تمام اماکنی که کارگران در آن مشغول کارند (از جمله خدمات خانگی) بازرسی و حسابرسی خواهند کرد. هدف از این بازرسی، جهت اجرا شدن نکات فوق میباشد.

* * *

البته هر پراتیکی نیاز به تئوری دارد. تئورئی که طبقه کارگر برای سرنگون ساختن نظام سرمایه داری و برقرار کردن نظام سوسیالیستی و کمونیستی نیاز دارد، تئوری کارل مارکس و فریدریش انگلس میباشد و اتحاد جهانی کارگران شرط پیروزی طبقه کارگر علیه نظام سرمایه داری است. لازم میباشد که به نکاتی از نوشته های کارل مارکس و فریدریش انگلس تأکید شود:

...

«و اما الغاء خانواده! حتی افراطی ترین رادیکالها نیز از این قصد پلید کمونیستها به خشم درمیآیند.

خانواده کنونی بورژوازی بر چه اساسی استوار است؟ بر اساس سرمایه و مداخل خصوصی. این خانواده بصورت تمام و کمال تنها برای بورژوازی وجود دارد و بی خانمانی اجباری پرولتارها و فحشاء عمومی مکمل آنست.

خانواده بورژوازی طبیعتاً با از میان رفتن این مکمل خود از بین می‌رود و زوال هر دو با زوال سرمایه توأم است.

ما را سرزنش میکنید که میخواهیم به استثمار والدین از اطفال خود خاتمه دهیم؟ ما باین جنایت اعتراف میکنیم.

ولی شما میگوئید که وقتی ما بجای تربیت خانگی تربیت اجتماعی را برقرار میسازیم، گرامیترین مناسباتی را که برای انسان وجود دارد از میان میبریم.

اما مگر تعیین کننده پرورش خود شما جامعه نیست؟ مگر تعیین کننده این پرورش آن مناسبات اجتماعی که در درون آن به کار پرورش مشغولید و نیز دخالت مستقیم و یا غیرمستقیم جامعه از طریق مدرسه و غیره نیست؟ کمونیستها تأثیر جامعه در پرورش را از خود اختراع نمیکنند، آنها تنها خصلت آن را تغییر میدهند و کار پرورش را از زیر تأثیر نفوذ طبقه حاکمه بیرون می کشند.

هر اندازه که در سایه رشد صنایع بزرگ پیوندهای خانوادگی در محیط پرولتاریا بیشتر از هم میگسلد و هر اندازه که کودکان بیشتر به کالای ساده و افزار کار مبدل میگردند، بهمان اندازه یاره سرائی های بورژوازی درباره خانواده و پرورش و روابط محبت آمیز والدین و اطفال بیشتر ایجاد نفرت میکند.

بورژوازی یکصدا بانگ می زند: آخر شما کمونیستها میخواهید اشتراک زن را عملی کنید. بورژوا زن خود را تنها یک افزار تولید میشمرد. وی میشنود که افزارهای تولید باید مورد بهره برداری همگانی قرار گیرند، لذا بدیهی است که نمیتواند طور دیگری فکر کند جز اینکه همان سرنوشت شامل زنان نیز خواهد شد.

وی حتی نمیتواند حدس بزند که اتفاقاً صحبت بر سر آنست که این وضع زنان، یعنی صرفاً افزار تولید بودن آنان، باید مرتفع گردد.

وانگهی چیزی مضحک تر از وحشت اخلاقی عالیجنانه بورژواهای ما از این اشتراک رسمی زنها، که به کمونیستها نسبت میدهند، نیست. لازم نیست کمونیستها اشتراک زن را عملی کنند، این اشتراک تقریباً همیشه وجود داشته است.

بورژواهای ما، باینکه زنان و دختران پرولتارهای خود را تحت اختیار دارند، اکتفا نمیورزند و علاوه بر فحشاء رسمی لذت مخصوصی میبرند و قتیکه زنان یکدیگر را از راه بدر کنند.

زناشوئی بورژوازی در واقع همان اشتراک زنان است. حداکثر ایرادیکه ممکن بود به کمونیستها وارد آورند این است که میخواهند اشتراک ریاکارانه و پنهانی زنان را رسمی و آشکار کنند. ولی

بدیهی است که با نابود شدن مناسبات کنونی تولید، آن اشتراک زنان که از این مناسبات ناشی شده، یعنی فحشاء رسمی و غیررسمی، نیز از میان خواهد رفت.

و نیز کمونیستها را سرزنش میکنند که میخواهند میهن و ملیت را ملغی سازند. کارگران میهن ندارند. کسی نمی تواند از آنها چیزی را که ندارند بگیرد. زیرا پرولتاریا باید قبل از هر چیز سیادت سیاسی را به کف آورد و به مقام یک طبقه ملی ارتقاء یابد و خود را بصورت ملت در آورد؛ وی خودش هنوز جنبه ملی دارد، گر چه این اصلاً به آن معنائی نیست که بورژوازی از این کلمه میفهمد.

جدائی ملی و تضاد ملتها بر اثر رشد و توسعه بورژوازی و آزادی بازرگانی و بازار جهانی و یکسانی تولید صنعتی و شرایط زندگی مطابق با آن، بیش از پیش از میان می رود. سیادت پرولتاریا از میان رفتن این جدائی و تضاد را بیش از پیش تسریع می کند. اتحاد مساعی، لااقل اتحاد مساعی کشورهای متمدن، یکی از شرایط اولیه آزادی پرولتاریاست. بهمان اندازه ای که استثمار فردی بوسیله فرد دیگر از بین می رود، استثمار ملتی بوسیله ملل دیگر نیز از میان خواهد رفت.

با از بین رفتن تضاد طبقاتی در داخل ملتها مناسبات خصمانه ملتها نسبت به یکدیگر نیز از بین خواهد رفت.

اتهاماتی که از نقطه نظر مذهبی، فلسفی و بطور کلی ایدئولوژیک به کمونیسم وارد میشود بهیچوجه در خورد بررسی مفصلی نیستند.

آیا ژرف اندیشی و بصیرت خاصی لازم است برای آنکه پی بریم که تصورات، نظریات و مفاهیم و در یک کلمه شعور انسانها همپای شرایط معیشت و مناسبات اجتماعی و زندگی اجتماعی آنها تغییر می یابد؟

تاریخ ایده ها چه چیزی دیگری جز این حقیقت را مبرهن میسازد که محصولات ذهن، موازی با محصولات مادی تحول می پذیرد؟ ایده های رایج و شایع هر زمانی پیوسته تنها عبارت بوده است از ایده های طبقه حاکمه.

از ایده هائی سخن میرانند که تمام جامعه را انقلابی می کند، ذکر این نکته تنها این حقیقت را روشن میسازد که در درون جامعه قدیم عناصر جامعه جدید تشکیل شده است و اینکه زوال افکار کهن همپا و همراه زوال شرایط کهن زندگی است.

هنگامیکه دنیای قدیم در دست زوال بود مذاهب کهن مغلوب مذهب مسیح شدند. هنگامیکه در قرن ۱۸ عقاید مسیحی در زیر ضربات افکار تجددطلبانه نابود میشد، جامعه فئودال با

بورژوازی که در آن ایام انقلابی بود در کار پیکاری مرگبار بود. ایده های مربوط به آزادی وجدان و مذهب، فقط مظهر سلطه آزادی رقابت در عرصه وجدانیات بود.

بما خواهند گفت: "ولی ایده های مذهبی و اخلاقی و فلسفی و سیاسی و حقوقی و غیره قطعاً در مسیر تکامل تاریخی تبدلات و تطوراتی یافته اند. اما خود مذهب و اخلاق و فلسفه و سیاست و حقوق در جریان این تبدل و تطور محفوظ مانده است.

بعلاوه حقایق جاویدانی نظیر آزادی، عدالت و غیره وجود دارد که برای کلیه مراحل تکامل اجتماعی مشترک است. و حال آنکه کمونیسم، بجای آنکه بدل تازه ای بیاورد، حقایق جاویدان و مذهب و اخلاق را از میان میبرد و بدینسان با سراسر سیر تکامل تاریخی که تاکنون وجود داشته مخالف است."

این اتهام سرانجام بکجا منجر میشود؟ تاریخ کلیه جوامعی که تاکنون وجود داشته، در مسیر تناقضات طبقاتی، که طی ادوار مختلف اشکال گوناگونی بخود گرفته سیر کرده است.

ولی این تناقضات هر شکلی که بخود گرفته باشد، باز استعمار شدن بخشی از جامعه بوسیله بخش دیگر حقیقتی است که برای کلیه قرون گذشته عمومیت دارد. بدینمناسبت عجیبی نیست که شعور و ادراک اجتماعی کلیه قرون و اعصار گذشته، علی رغم همه اختلاف شکلها و تفاوتها، با شکل هائی یکسان و معین، یعنی با آن شکل هائی از معرفت سیر میکند که تنها بر اثر نابودی نهائی تناقض طبقات بکلی نابود خواهند شد.

انقلاب کمونیستی قطعی ترین شکل گسستن رشته های پیوند با مناسبات مالکیتی است که ماترک گذشته است؛ شگفت آور نیست اگر این انقلاب در جریان تکامل خود با ایده هائی که ماترک گذشته است به قطعی ترین شکلی قطع رابطه کند.

اینک از اعتراضات بورژوازی نسبت به کمونیسم بگذریم.

در فوق دیدیم که نخستین گام در انقلاب کارگری عبارت است از ارتقاء پرولتاریا به مقام طبقه حاکمه و به کف آوردن دموکراسی.

پرولتاریا از سیادت سیاسی خود برای آن استفاده خواهد کرد که قدم بقدم تمام سرمایه را از چنگ بورژوازی بیرون بکشد، کلیه آلات تولید را در دست دولت، یعنی پرولتاریا که بصورت طبقه حاکمه متشکل شده است، متمرکز سازد و با سرعتی هر چه تمامتر بر حجم نیروهای مولده بیفزاید.

البته این کار در ابتدا ممکن است تنها با دخالت مستبدانه در حقوق مالکیت و مناسبات تولیدی بورژوازی یعنی با کمک اقداماتی انجام گیرد که از لحاظ اقتصادی نارسا و ناستوار بنظر

میرسند، ولی در جریان جنبش، خود به خود نشو و نما یافته و بکار بردن آنها بمشابه وسائلی برای ایجاد تحول در کلیه شیوه تولید امری احترازاپذیر است.

بدیهی است که این اقدامات در کشورهای گوناگون متفاوت خواهد بود. ولی در پیشروترین کشورها میتوان بطور کلی اقدامات زیرین را مجری داشت:

۱- ضبط املاک و صرف عواید حاصله از زمین برای تأمین مخارج دولتی.

۲- مالیات تصاعدی سنگین.

۳- لغو حق وراثت.

۴- ضبط اموال کلیه مهاجرین و متجاسرین.

۵- تمرکز اعتبارات در دست دولت بوسیله یک بانک ملی با سرمایه دولتی و با حق انحصار مخصوص.

۶- تمرکز کلیه وسائل حمل و نقل در دست دولت.

۷- ازدیاد تعداد کارخانه های دولتی و افزارهای تولید و اصلاح و آباد ساختن اراضی طبق نقشه واحد.

۸- اجبار یکسان کار برای همه و ایجاد ارتش صنعتی بویژه برای کشاورزی.

۹- پیوند کشاورزی و صنعت و کوشش در راه رفع تدریجی تضاد بین ده و شهر.

۱۰- پرورش اجتماعی رایگان کلیه کودکان و از میان بردن کار کودکان در کارخانه ها بشکل کنونی آن. درآمیختن امور تربیتی با تولید مادی و غیره و غیره.

هنگامیکه در جریان تکامل، اختلاف طبقاتی از میان برود و کلیه تولید در دست اجتماعی از افراد تمرکز یابد، در آن زمان حکومت عامه جنبه سیاسی خود را از دست خواهد داد. قدرت حاکمه سیاسی بمعنای خاص کلمه عبارت است از اعمال زور متشکل یک طبقه برای سرکوب طبقه دیگر. هنگامیکه پرولتاریا بر ضد بورژوازی ناگزیر بصورت طبقه ای متحد گردد، و از راه یک انقلاب، خویش را به طبقه حاکمه مبدل کند و بعنوان طبقه حاکمه مناسبات کهن تولید را از طریق اعمال جبر ملغی سازد، آنگاه همراه این مناسبات تولیدی شرایط وجود تضاد طبقاتی را نابود کرده و نیز شرایط وجود طبقات بطور کلی و در عین حال سیادت خود را هم بعنوان یک طبقه از بین میبرد.

بجای جامعه کهن بورژوازی، با طبقات و تناقضات طبقاتی، اجتماعی از افراد پدید می آید که در آن تکامل آزادانه هر فرد شرط تکامل آزادانه همگان است.»

(از: «مانیفست حزب کمونیست»، نوشته کارل مارکس و

فریدریش انگلس، ۱۸۴۷. رجوع شود به بخش: «پرولتاریا و کمونیستها»).

شکل فرضی نظام شورایی در کره زمین

(سازمانیابی و برکناری نمایندگان منتخب مردم)

۱- نمایندگان مرکزی (کشوری) منتخب مردم در یک کشور:



۱:۱ همه انسانهای بزرگسال (از شانزده سالگی) در هر کشور میتوانند خود را برای شوراهای محلات کار و زیست کاندید نمایند.

۲:۱ همه انسانهای بزرگسال در یک کشور افرادی از کاندیداها را به عنوان نمایندگان خود برای شوراهای محلات کار و زیست خود و برای دوره ای (فاصله بین دو کنگره کشوری نمایندگان شوراها) انتخاب مینمایند.

۳:۱ همه نمایندگان انتخاب شده دوره های قبل شوراها نیز میتوانند بدون هیچ محدودیتی خود را برای دوره های انتخاباتی بعد شوراها کاندید نمایند.

۴:۱ نمایندگان شوراها بر حسب بیشترین آراء از بین کاندیدها انتخاب میشوند.

۵:۱ همه نمایندگان انتخاب شده شوراهای محلات کار و زیست نیز در انتخاباتی دیگر از بین خود نمایندگان شوراهای عالیتر را نتخاب میکنند. مثلاً از بین خود نمایندگان شوراهای (شهرها) را انتخاب می نمایند. نمایندگان شوراهای شهرها نیز از بین خود، نمایندگان شوراهای (استانها) را انتخاب میکنند و نمایندگان شوراهای استانها نیز از بین خود، نمایندگان شورای (کشور) را انتخاب میکنند و غیره.

۶:۱ روش تصمیم گیری در شوراها رأی گیری خواهد بود و رأی اکثریت مطلق قابل اجراست.

۷:۱ مصوبات شورای عالیتر برای شورای پائین تر لازم الاجراست.

۸:۱ قابل عزل بودن هر نماینده هر گاه اکثریت انتخاب کنندگان اراده کنند.

۱:۸:۱ نمایندگان شوراها از طرف یک مرحله پائین تر شوراها قابل عزل هستند و به یک مرحله پائین تر شوراها برمیگردند، در این صورت شورای عزل کننده، نماینده یا نمایندگانی را از بین خود انتخاب و جایگزین عزل شوندگان میکند.

۲:۸:۱ و یا چنانچه، اکثریت انتخاب کنندگان، خواهان عزل نماینده و یا نمایندگانی باشند که به عنوان مثال در شورای کشوری هستند، در آن صورت نمایندگان برکنار شونده، اتوماتیک وار به جایگاه اولیه خود برمیگردند ولی جایگزینی آنان از طرف یک مرحله پائین تر شورای کشوری که از بین خود، نماینده یا نمایندگانی را انتخاب کرده، صورت میگیرد. جایگزینی شوراهای پائین تر از شورای کشوری نیز به این ترتیب تا سطح شورای محل یا محلات کار و زیست انجام میگیرد.

۲_ نمایندگان انتخاب شده از هر کشور برای پنج قاره کره زمین:



۱:۲ نمایندگان کشوری شوراها از بین خود نیز تعدادی از افراد را به عنوان نمایندگان قاره ای انتخاب مینمایند. تعداد نمایندگان بستگی به حجم کارهایی دارد که بایستی انجام شود.

۳_ نمایندگان انتخاب شده از هر قاره برای شورای مرکزی (سراسری):



۱:۳ نمایندگان قاره ای نیز از بین خود تعدادی از افراد را برای شورای مرکزی (سراسری) جهت سهولت بخشیدن انجام کارها انتخاب مینمایند.

* مجموع اطلاعات تولیدی، توزیع و غیره نزد شورای مرکزی (نمایندگان سراسری) است که باید دائماً به اطلاع تمام انسانها رسانده شود.

کارگران همه کشورها متحد شوید!